

جاناتان کوک:

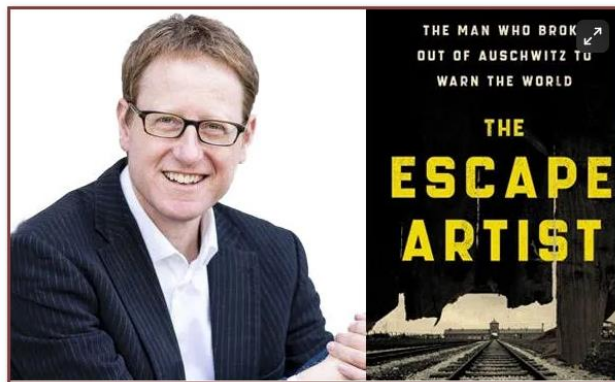
جاناتان فریدلند تاریخ را به شکل دیگر بازگو می‌کند تا حقیقتی زشت درباره اسرائیل را پنهان کند.

مقاله‌نویس روزنامه گاردین باید داستان اولین یهودی فراری از آشویتس را
بالا و پایین کند، زیرا زندگینامه واقعی "رودولف وربا" تباری جنبش
صهیونیستی با نازی‌ها را افشا می‌کند.

یکشنبه ۲۵ آگوست ۲۰۲۴، برابر با ۴ شهریور ۲۰۲۴

برگردان به فارسی از نادر ثانی

https://jonathancook.substack.com/p/jonathan-freedland-rewrites-history?utm_source=post-email-title&publication_id=476450&post_id=148086514&utm_campaign=email-post-title&isFreemail=true&r=2x9vbf&triedRedirect=true&utm_medium=email



"تونی گرینشتاین Tony Greenstein" گزارشی شگفت‌انگیز ارائه کرده که در آن
نشان می‌دهد "جاناتان فریدلند Jonathan Freedland"، ستون‌نویس روزنامه
"گاردین Guardian"، چگونه سوابق تاریخی را در بیوگرافی "رودولف وربا
Rudolf Vrba"، اولین یهودی فراری از آشویتس، تحریف کرده است.

ممکن است تعجب کنید که چرا داستان باورنکردنی فرار وربا برای چندین دهه
به فراموشی سپرده شده است، به ویژه با توجه به اینکه هالیوود چقدر مشتاق
ساخت فیلمهایی با زمینه هولوکاست است.

گرینشتاین توضیح می‌دهد: به تلاش‌های وربا در اوایل سال ۱۹۴۴ برای هشدار
دادن به سایر یهودیان درباره سرنوشت آینده‌شان در اردوگاه‌های مرگ نازی،

توسط رهبران اروپایی جنبش صهیونیستی خیانت شد و صدای او را ساکت کردند.

جنبش صهیونیستی، آماده قربانی کردن صدها هزار یهودی، در عوض آنکه نازیستها نخبگان صهیونیست را از اروپا خارج کرده و به آنها امکان آن را بدهد تا خود را به فلسطین رسانند بودند. در فلسطین جنبش صهیونیستی از مدتی پیش در کار تدارکات خود برای یرون راندن فلسطینیان بومی و ایجاد يك کشور یهودی خودخوانده بر روی ویرانه‌های میهن فلسطینی‌ها بود.

نگرش صهیونیست‌ها منعکس‌کننده دیدگاه بنیانگذار جنبش، "تئودور هرزل Theodor Herzl" بود:
«یهودستیزان قابل‌اعتمادترین دوستان ما، و کشورهای ضدیهود متحدان ما خواهند بود.»

وربا به شدت از جنبش صهیونیستی به دلیل همکاری با نازی‌ها انتقاد می‌کرد و هیچ علاقه‌ای به نظام یهودی که صهیونیست‌ها ایجاد کرده بود نداشت.

در سال ۱۹۶۱، روزنامه "دیلی هرالد Daily Herald" گزیده‌ای از خاطرات وربا را به نقل از گرینشتاین منتشر کرد. در آن گزیده وربا از جمله نوشته بود:
«من یک یهودی هستم. با وجود این، در واقع به همین دلیل، من برخی از رهبران یهودی را به یکی از وحشتناک‌ترین اعمال جنگ متهم می‌کنم. این گروه کوچک چرخ پنجم دشمن می‌دانستند چه اتفاقی برای برادرانشان در اتاق‌های گاز هیتلر می‌افتد و زندگی خود را با بهای سکوت خریدند... من توانستم سه هفته زوتر به رهبران صهیونیست‌های مجارستان اخطار بدهم که ["آدولف Adolf"] "آیشتمن Eichmann" [معمار اصلی هولوکاست] قصد داشت یک میلیون یهودی خود را به اتاق‌های گاز خود بفرستد... [رزسو] "کاستنر Kasztner" [رهبر جنبش صهیونیستی مجارستان] نزد آیشتمن رفت و به او گفت: «من از برنامه‌های شما اطلاع دارم. از فرستادن برخی از یهودیان که من انتخاب می‌کنم صرف نظر کن و من ساکت خواهم شد.»

خیانت کاستنر به آن یهودیان و محکوم کردن آنها به فرستاده شدن به اتاق‌های گاز نازی‌ها، بعداً توسط دادستان کل اسرائیل، "هایم کوهن Haim Cohen"، با عبارات زیر توجیه شد:

او حق داشت با نازی‌ها برای نجات چند صد نفر معامله کند و این حق را داشت که به میلیون‌ها نفر هشدار ندهد... این وظیفه او بود... همیشه سنت صهیونیستی ما این بوده است که از بین افراد بسیاری معدودی را برای ترتیب دادن مهاجرت آنها به فلسطین انتخاب کنیم... آیا باید خائن خطاب شویم؟

بر این اساس است که موزه هولوکاست اسرائیل، "یاد وشم Yad Vashem"، داستان شگفت‌انگیز و ربا را از سالن‌های خود حذف کرده است و بر این اساس است که دانش‌آموزان اسرائیلی هیچ چیز در مورد و ربا نمی‌آموزند. همچنین احتمالاً به همین دلیل است که هالیوود هرگز داستانی را که بیش از دیگر داستانهای هولوکاست به کار فیلمهای هالیوودی می‌آید برای استفاده انتخاب نکرده است.

داستان و ربای ضدصهیونیست، مبانی ایدئولوژیک اسرائیل را آشکار می‌کند، جهانی‌ای که کاملاً با ناسیونالیسم‌های نژادی زشت اروپایی که در نازیسم به اوج خود رسید، همخوانی دارد. داستان او توضیح می‌دهد که چگونه اسرائیل همیشه قادر به نسل‌کشی در غزه بوده و اکنون در حال انجام آن است.

وقتی ایدئولوژی از زندگی انسان مهمتر می‌شود، مردم - حتی آنهایی که شما آنها را متعلق به خودتان می‌بینید - قابل مصرف می‌شوند. با آنها در یک بازی وحشیانه سیاست قدرت همانند یک پیاده مهره می‌شود. "دیوید بن گوریون David Ben Gurion"، پدر بنیانگذار اسرائیل، دقیقاً این احساسات را در دسامبر ۱۹۳۸، زمانی که قتل‌عام نازی‌ها علیه یهودیان در آلمان بیداد می‌کرد، بیان کرد: «اگر می‌دانستم که می‌توان همه بچه‌های آلمان را با انتقال آنها به انگلیس و یا فقط نیمی از آنها را با انتقال آنها به سرزمین اسرائیل نجات داد، دومی را انتخاب می‌کردم، زیرا پیش ما فقط تعداد این بچه‌ها نیست که مهم است؛ مهم سرنوشت تاریخی قوم اسرائیل است.»

وظیفه فریدلند در کتابش به نام "هنرمند فرار The Escape Artist" این بود که داستان وربا را از آن خود کرده، پیام ضدصهیونیستی آن را از بین برده، و آن را در روایت صهیونیستی حاکم کنونی که پس از جنگ جهانی دوم با دقت ساخته شده، بگنجاند.

به همین دلیل است که این زندگینامه جوایز و ستایش‌های بی‌پایان از این و آن دریافت کرده است. داستان زندگی وربا بدون شک اکنون برای یک چرخش هالیوودی آماده است - چیزی که اگر اتفاق بیفتد، فریدلند را بسیار ثروتمند خواهد کرد.

به لطف تلاش‌های او، تهدید ناشی از داستان واقعی وربا خنثی شده است. این با سرنوشت گسترده‌تر یهودیان ضدصهیونیست مطابقت دارد - وجود آنها یا نادیده گرفته می‌شود یا برای مطابقت با تفسیر صهیونیستی خودخواهانه از تاریخ، پاکسازی می‌شود.

این روند تا امروز ادامه دارد:

یهودیان بسیار ضدصهیونیست که از "جرمی کوربین Jeremy Corbyn" حمایت می‌کردند یا نادیده گرفته شدند یا از حزب کارگر بیرون رانده شدند، چرا که آنها روایت جعلی یهودی‌ستیزی فریدلند را تضعیف می‌کردند و بسیاری دیگر از یهودیان تقویت شدند تا بتوان از شر یک رهبری که واقعاً از حق مردم فلسطین برای داشتن کشور حمایت می‌کرد، خلاص شد.

و از بسیاری از یهودیان ضدصهیونیستی که در راهپیمایی‌ها برای اعتراض به نسل‌کشی غزه شرکت می‌کنند، حرفی به میان نمی‌آید، چرا که آنها افشاگر تلاش‌های رسانه‌های قدرتمندان برای نشان دادن دروغین این راهپیمایی‌ها به عنوان یهودستیزانه هستند.

توجه داشته باشید که رهبران اسرائیل مانند "بنیامین نتانیاهو Benjamin Netanyahu" نخست‌وزیر این کشور، درست همانطور که هر تزل توصیه کرد، با کشورهای علناً یهودی‌ستیز مانند مجارستان "ویکتور اوربان Viktor Orban"، ائتلاف‌های نزدیک برقرار کرده‌اند. آنها به سنت آغاز شده توسط کاستنر، کسی

که خود و دوستان صهیونیستش را با قربانی کردن صدها هزار یهودی
مجارستانی نجات داد، ادامه داده‌اند.

همچنین توجه داشته باشید که برای دهه‌ها دولت‌های اسرائیل بی‌امان به سمت
راست حرکت کرده‌اند، تا جایی که اکنون وزیر ارشد دولتی، افرادی مانند
"بزال اسموتریچ Bezalel Smotrich"، آشکارا خود را «فاشیست‌های یهودی»
اعلام می‌کنند.

با این وجود، ایدئولوژی صهیونیستی آنها تفاوت کمی با اسلاف ظاهراً "میان‌هرو"
آنها دارد. تفاوت اصلی این است که آنها از برتری‌طلبی یهودی خود عذرخواهی
نمی‌کنند و در تحقیر زندگی فلسطینی‌ها با صدایی بلند و رسا صحبت می‌کنند.
صهیونیسم به سادگی از گنج‌های بیرون می‌آید که تا حدی به دلیل نیاز لفاظی به
ادعای مبنای اخلاقی برای اقدامات خود و نگرانی در مورد آرام کردن مردم
غربی مجبور به بودن در آن شده بود.

این اسموتریچ فاشیست خودخوانده نیست که در غزه نسل‌کشی می‌کند. این
ژنرال‌های طبقه حاکمه اسرائیل و ارتش شهروندان آن است.

"تونی گرینشتاین" اخیراً کتاب مهمی به نام "صهیونیسم در جریان هولوکاست"
Zionism During the Holocaust منتشر کرده است که به طور گسترده در مورد
همکاری آنان که به تأسیس اسرائیل کمک رساندند با نازی‌ها می‌باشد. من به
همه توصیه می‌کنم آن را جستجو کنند.